

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب
۲۱ اکتوبر ۲۰۱۳



ادبیات فرانسه در پرتو ماجرای درایفوس

یک اثر خوب ادبی، بازتابگر روح و روان جامعه و دوران خویش است برای یک ادبیت و تاریخ درست ادبیات نمایانگر راه و مقصدی که فرهنگ و مردم در همان مضمون پیش رو دارند.

روشنفکر افغانستان به دلایل گوناگونی تا حالا نخواستہ یا نتوانسته است، با بررسی و پژوهش بی طرفانه، گذشته ادبی چهل سال اخیر این سرزمین را به نوعی که بایستی واقعیت اجتماعی و سیاسی آن بازتاب یابد، ارائه بدهد. به باور من، تعارف و وابستگی به جریان های سیاسی اخیر و کنونی در این مرز و بوم دو دلیل اساسی سرباز زدن از این رسالت می باشد.

ماجرای درایفوس، نمونه خوبی است از پیوند فرهنگ با سیاست و مبارزات روشنفکری گسترده برای تغییرات اصولی و بنیادین در یک جامعه.

نسل ۱۸۸۵ میلادی در فرانسه شاهد ماجرائی گشت که همه قشر روشنفکر آن کشور را به ابراز نظر و اتخاذ سمت و سو جهت ارزش های موجود در جامعه، یا به موافقت از حق فردی و حقیقت مبتنی بر سند و یا جانبداری از دیدگاه آموزش های ملی، مذهبی و ادار ساخت.

از سال ۱۸۸۶ میلادی به بعد یهودی ستیزی و یهودی گرایی را در میان بخشی از روشنفکران فرانسه به صورت برملا و آشکارا، روزنامه ها عنوان می نمودند. در سال ۱۸۹۴ میلادی وقتی اسنادی سری از وزارت جنگ فرانسه گم شد، افسری یهودی تبار بنام الفرید درایفوس Alfred Dreyfus متهم و محکوم به سرقت و دادن آنها به دولتی بیگانه گردید.

نخستین نویسنده ای که داوری قضائی ماجرای درایفوس را در سال ۱۸۹۶ میلادی محکوم کرد، برنار لا زار Bernard Lazare بود، خود نیز یهودی تبار. وی با نگاشتن مطلبی زیر عنوان یک اشتباه قضائی - واقعیت اصلی در باره ماجرای درایفوس، پرده از روی پنهانکاری های دادگستری فرانسه برداشت.

به تاریخ ششم نومبر سال ۱۸۹۷ میلادی یکی از استادان تاریخ مکتب Ecole Normale Supérieure ایکول نورمال سوپیریور، به نام گابریل مونود Gabriel Monod طی مقاله ای در روزنامه Le Temps یا زمان دلایل جعلی بودن اتهام درایفوس را تشریح نمود که با انتقاد شدید و ناسزاگوئی های مطبوعات یهودی ستیز روبه رو شد. در مقابل شاگردان این مکتب به دفاع از استاد خویش نوشته ای را به نشر سپردند.

با نگاشتن این نامه سرگشاده، ماجرای درایفوس وارد مرحله نوین ادبی در تاریخ فرانسه گردید. اغلب روشنفکران این کشور چه راست نگر و یا چپ اندیش به مجادله و مباحثه علنی در باره نظام دادگستری فرانسه پرداختند و نویسندگان میانه رو را وادار به جانبداری به یکی از این گروه ساختند.

موریس باره Maurice Barrés به عنوان یکی از نخستین نویسندگان راست رو معروف فرانسه با آثاری همچون مردی آزاد Un Homme libre، احضار سرباز L'Appel ou Soldat و تپه الهام گرفته La Colline inspirée به دفاع از سیستم موجود وقت آنکشور قد علم نمود و برای مدتی مبارزه گروه مخالفان درایفوس Anti-Dreyfsard را به پیش برد.

هرچند مدتی بعد جاسوس اصلی که استرهازی Esterhazy نام داشت و اهل مجارستان بود شناسائی شد، اما چون نخواستند اشتباه دستگاه قضائی هویدا گردد، وی را بدون جرم دانستند و تبرئه کردند.

امیل زولا E'mile Zola با آثاری مثل دکه میفروش L'Assommoir، نانا Nana و رؤیا Le Réve برای بار نخست در این ماجرا شرکت ورزید و به تاریخ بیستم نومبر ۱۸۹۷ میلادی با نوشته ای در روزنامه فیگارو Figaro خواستار تجدید نظر در دادگاه گردید. امیل زولا با این نگاشته جدی و موکد خویش موجب برانگیختن طغیانی و ژرف احساسات جبهه مخالف درایفوس شد و جنگی مذهبی و بی سابقه میان کاتولیکان، سلطنت طلبان و جمهوری خواهان به راه افتاد.

در نتیجه این نبرد باورها، نشریه فیگارو نیز از چاپ نوشته های امیل زولا سر باز زد، چنان که وی برای مدت کوتاهی خویش را به پخش رساله های نشراتی وادار دید تا این که جریده نو بنیاد لورور L'aurore به عنوان بازتابگر فریاد تجدید نظر خواهان ماجرای درایفوس قد علم نمود.

به تاریخ سیزدهم جنوری ۱۸۹۸ میلادی، امیل زولا با انتشار نامه سرگشاده به رئیس جمهور فرانسه زیر عنوان من متهم میکنم J'accuse، در روزنامه L'aurore یا پگاه واقعیت حادثه را برملا ساخت، مجرمان اصلی را که هشت تن به شمول دو وزیر جنگ کشور بودند، نام برد و مدافع موفقانه عدالت و انصاف در این ماجرا گردید چنان که درایفوس توانست از کلبه تبعیدش واقع در جزایر مستعمراتی فرانسه در امریکای جنوبی موسوم به جزایر شیطان Île du Diable به کشورش بازگشت کند و اعاده شخصیت بشود.

بازتاب این نوشته در سراسر فرانسه فراگیر گشت، دوصد هزار نسخه این جریده در مدت چند ساعت به فروش رسید و نام امیل زولا را ورد زبان همه شهروندان نمود.

نوشته ژاکوز J'accuse یا من متهم می کنم موجب حرکتی در این کشور موسوم به روشنفکران شد. تجدید نظر خواهان را مخالفان آنها نخست تمسخر آمیزانه "روشنفکران" می نامیدند. اناتول فرانس یکی از هموندان برجسته این گروه روشنفکر به شمار می رفت.

تالار های مجادله و مباحثه نویسندگان راست و چپ نگر بر گسترش دیدگاه های موافق و مخالف در ایفوس نقش براننده ای را ادا می نمودند. تالار های مادام شتراوس Madame Strauss ، مادام ارمان Madame Arman و مادام دو لوینه Madame de Loynes محل گفت و گوهای گروهی موسوم به کرانه راست Rive Droite شده بودند . وقتی امیل زولا را برای نگاشتن مقاله من متهم می کنم به يك سال زندان و پرداخت جریمه محکوم نمودند، موافقان تجدید نظر خواهی این ماجرا که شماری از دانشمندان علوم طبیعی، پروفیسوران علم فلسفه، و پزشکان را نیز شامل بود، موسوم به گروه در ایفوسیس موس Dreyfusismus دور هم گرد آمدند و انجمن حمایت از حقوق بشر را بر پایه قوانین انقلاب کبیر فرانسه بنیان گذاشتند. مقر انجمن حمایت از حقوق بشر مرکز تجمع و فعالیت هواداران گروه روشنفکران که صد ها پروفیسور، دانشمند، معلم ، استاد و نویسندگانی همچون پره وو Prévost با اثری همانند مانون لسکو Manon Lescaut ، و روستان Rostand با شاهکاری مثل سیرانو دو برژیراک Cyrano de Bergerac را شامل می گردید، شناخته شد.

از سوی دیگر گروه مخالفان تجدید نظر خواهان ماجرای در ایفوس با تشکیل انجمن میهن دوستان فرانسه Ligue de la Patrie Francaise گرد هم آمدند. بیش از نصف اعضای اکادمی فرانسه، بیشترین افراد نسل های پیشینه و شماری از پروفیسوران نیز شامل این گروه بودند.

ماجرای در ایفوس چهار سال تمام، روشنفکران راست و چپ فرانسه را وادار به جهت گیری و بحث و مجادله نمود. خانواده ها، مکتب ها و دفتر های دولتی محل گفت و گو و ماجرا در این مورد شدند. هیچ موضوع دیگری نتوانسته است همچون این حادثه ، جامعه فرانسه را پس از انقلاب کبیر، بیشتر متحول گرداند و به خود مشغول سازد .

نابودی حزب ناسیونالیستی راستگرای فرانسه، کامیابی آرمان های جمهوریت در بخش های دفاعی و تهاجمی به وسیله وضع قوانین انتظامی و جدائی کلیسا و دولت از جمله ارمغان های این جدال روشنفکری در باره این ماجرا به شمار می روند. امیل زولا پس از این واقعه در سال ۱۸۹۸ میلادی بنیانگذار ادبیات سیاسی اجتماعی اروپای سده بیستم عیسوی بخشی از نویسندگان اروپائی گردید که این جریان هنوز هم در قوت خود کم و بیش همچنان ادامه می یابد. اناتول فرانس ۱۸۴۴-۱۹۲۴ میلادی، برنده جایزه نوبل ادبیات ، پادشاه نثر فرانسه، نویسنده "عصیان فرشتگان " و "خدایان تشنه اند" پس از این ماجرا گفت که " زولا" برای مدتی وجدان بشریت بوده است.

برای نگاشتن این مطلب به ویژه از چهار اثر زیر بهره برده شده است:

Geschichte der Französischen Literatur, Albert Thibaudet, Verlag Karl Alber Freiburg, München, 1953

Weltliteraturgeschichte Band 3, Eduard Von Tunk, Stauffacher-Verlag AG Zürich, Zweite Auflage, 1968

Weltliteratur, Ein Überblick, Axel Eggebrecht, Verlag Bruno Henschel und Sohn, Berlin, 1948

Geschichte der Weltliteratur, Erwin Laaths, Th. Knauer Nachf. Verlag, München, 1953

پایان